



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	 مراحل اجتهاد
۲	 مرور مباحث گذشته
۲	 مروری بر مبحث تجميع
۲	 حالات مختلف در نظام سازی
۲	 مراحل در تجميع
۳	 ساير حوزه‌های زندگی بشر
۳	 انواع دستاوردهای فکری بشر
۳	 صور مطرح در تولید علم انسانی
۳	 آداب و سلوک
۴	 فناوری‌های بشری
۴	 دستاوردهای معرفتی
۴	 دین در ابعاد زندگی بشر
۴	 نتیجه‌گیری



مراحل اجتهاد

مرور مباحث گذشته

تاکنون گفته شد که اجتهاد دارای چند مرحله است؛

گاهی اجتهاد ناظر به تک گزاره‌هاست که در حقیقت اصل اجتهاد نیز همین است. اما گاهی گزاره‌ها تجمیع می‌شود و از آن بابتی خاص به وجود می‌آید. گفته شد که در مرحله‌های بعد از ظاهر متون به عمق آن حرکت می‌کنیم که در حقیقت همان حرکت استنتاجی نام دارد.

مروری بر مبحث تجمیع

در مقدمه‌ای که احتمالاً پانزدهم بود، بحث نظام سازی از گزاره‌های فقهی و احياناً غیر فقهی را بحث کردیم که مبحث مهمی بود و کمتر هم کار شده بود. تاندازه‌ای که اینجا مجالی بود، به ابعادی از مسئله پرداختیم. و تا اینجا گفتیم که در حقیقت یک بار است که یک گزاره را مورد بحث قرار می‌دهیم. یک بار است که مجموعه‌ای از گزاره‌ها را تنظیم می‌کنیم و به صورت علم و فصل و باب درمی‌آوریم، اما گاهی است که کار نظام سازی را انجام می‌دهیم.

حالات مختلف در نظام سازی

در حقیقت تجمیع گزاره‌ها برای رسیدن به گزاره‌های پایه و مبانی پایه‌ای است که حاکم بر این مجموعه‌ای از گزاره‌ها است. این را بحث کردیم. و حدود هم روشن شد که نظام سازی گاهی در حد یک تحلیل است و با یک نسبت احتمالی است، گاهی می‌خواهیم آن گزاره بنیادی و مبانی را به شارع نسبت بدهیم و بالاتر از آن گاهی می‌خواهیم آن را خودش مبانی استخراج احکام قرار بدهیم، یا خودش حکم باشد. این‌ها احوال و صوری بود و شرایط و قواعدی داشت که تا حدی بحث شد.

مراحل در تجمیع

درواقع به عبارتی سه مرحله وجود دارد. وقتی است اجتهاد ناظر به تک گزاره است که اصل اجتهاد همین است. اما گاهی این گزاره‌ها را جمع می‌کند که اینجا باب و فصل و علم متولد می‌شود. و گاهی تجمیعی می‌کند و می‌خواهد استخراج جدیدی داشته باشد و قاعده تازه و مبانی را استکشاف بکند که می‌گفتیم خودش یک نوع اجتهادی است که گاهی بر استنباط حکم منطبق می‌شود گاهی هم نه، عیناً بر آن انطباق پیدا نمی‌کند. این چند مرحله بود که احکامش تا حدی روشن شد.



سایر حوزه‌های زندگی بشر

حوزه‌های دیگر مانند معرفتی، عملی و ... را نیز حداقل می‌توان به سه گروه تقسیم نمود؛ یک قلمرو دانشی و معرفتی بشر است که همان راه استکشاف حقایق برای بشر است، چه در حوزه علوم طبیعی بشر و چه سایر حوزه‌ها این امر جاری است.

انواع دستاوردهای فکری بشر

دستاوردهای معرفتی بشر به انواعی تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها در حوزه نوع زندگی و سبک نرم‌افزاری زندگی اوست، بخش دوم رفتارهای او در قلمروهای مختلف است و بخش سوم نیز فناوری و تولیدات بشر است.

البته این قسم ارتباط تنگاتنگی با دو قسم سابق دارد. سؤالاتی در این زمینه وجود دارد که تأثیر این سه ضلع در زندگی بشر تا چه مقدار است و آیا اجتهاد نیز در اینجا دخیل است که درواقع این سؤال برمی‌گردد به میزان دخیل دانستن اندیشه و حیانی در ابعاد مختلف زندگی بشری. و در این راستا همیشه این سؤال مطرح بوده که آیا ما فلسفه اسلامی داریم یا حتی نیازی به آن وجود دارد. البته در این بین اندیشه تفکیک وجود دارد که این موارد را یکدیگر جدا می‌دانند، به این معنا که این موارد با یکدیگر ارتباطی ندارند و یا نباید ارتباط داشته باشند.

صور مطرح در تولید علم انسانی

در قبال تولید علم انسانی دو راه وجود دارد، راه اول این است که متخصص در کنار مجتهد بنشیند و باهم کار را پیش ببرند. اما راه دوم این است که خود او در حوزه‌ای مختلف صاحب‌نظر شود که در این بحث باید از مبحث تجزی در اجتهاد سخن گفت.

آداب و سلوک

علوم انسانی و اجتماعی بنا بر آنچه الآن متعارف است همان کاربرد روش‌های حسی و تجربی است، گرچه در پدیده‌های انسانی می‌شود روش‌های عقلی و نظری را به کاربرد، منتها آن در همان قسم اول قرار می‌گیرد. آن‌یک دستاورد فکری و معرفتی بشر است. این خودش به سه قلمرو تقسیم می‌شود. یک دستاورد و حوزه دیگر از دستاوردهای بشری حوزه سبک‌های زندگی و نوع رفتارها و عملکردها است که آداب و سلوک و ویژگی‌های عملی است که بیشتر این به حکمت عملی نزدیک می‌شود. این هم یک بخش است.



فناوری‌های بشری

یک بخش هم فناوری‌ها است که محصول همان علم و دانش است که بشر در عالم طبیعت تصرف می‌کند و اموری را می‌سازد. یعنی عالم طبیعت را دست‌کاری می‌کند که در این قرون متأخر این خیلی دامنه پیدا کرده است. یعنی دامنه تصرف بشر در عالم طبیعت خیلی وسعت پیدا کرده است.

البته این امر طبیعی بوده است، بازندگی بشر گره‌خورده است. یعنی تصرف بشر در طبیعت این در ذات بشر است، بدون این زندگی به پا نمی‌شود. ولی حجم و دامنه و کیفیت این تصرف، خیلی فرق کرده است. با تحولاتی که در زندگی بشر دارد. از یک نگاه خیلی کلی درواقع می‌شود بگوئیم این سه نوع فعالیت بشری است که دارای دستاوردهایی است و نظاماتی دارد.

دستاوردهای معرفتی

دستاوردهای فکری معرفتی که حاصلش علوم و دانش‌ها و تئوری‌ها و نظریه‌ها است که به چند قسم کلی تقسیم می‌شود. و یکی هم دستاوردها و خلاقیت‌های بشر است در حوزه نوع زندگی و سبک نرم‌افزاری زندگی به لحاظ تعاملاتی که با دیگران دارند، رفتارهایی که در قلمروهای مختلف و نوع زندگی دارد. و نوع سوم هم فناوری‌ها و تولیدات بشر است که این البته کاملاً مرتبط با اولی و دومی است.

دین در ابعاد زندگی بشر

حداقل این سه ضلع را ما اینجا موردتوجه قرار می‌دهیم. سؤال ما الآن این است که بعد از اینکه اجتهاد شکل گرفت در قالب‌هایی که عرض کردیم، گرچه اجتهاد به حوزه نظام‌سازی رسید و به یک نظریه جامعی در یک قلمرو رسید، سؤال این است که بازتاب این‌ها بر این سه ضلع از زندگی بشری چه نوع بازتابی است و آیا اینجا باز اجتهاد دخیل است، سؤالاتی از این قبیل اینجا مطرح است.

این طرح بحث است که در حقیقت برمی‌گردد به اینکه محصول وحی و اندیشه دینی و شرعی چگونه با حوزه‌های دیگر زندگی بشر گره می‌خورد؟

نتیجه‌گیری

آن ضلع سبک، آداب، سلوک زندگی و ضلع فن‌آوری که دو ضلع بعد است عرض خواهیم کرد. همین را اگر دقت کنید می‌بینید که قلمروهای گسترده و جدیدی را رویاروی فقه، کلام، معارف و اجتهاد به وجود می‌آورد، هم به لحاظ اینکه تأثیر می‌پذیرد و هم به



لحاظ دامنه اثری که می‌گذارد و موجی که می‌تواند روی این قلمروهای معرفتی بشر بیافریند، این یک بخش از این بحث مقدمه است.

ادامه بحث ما طبعاً تقسیمات اجتهاد، مطلق و متجزی است.